

فتوای ترور رشدی و عزیز نسین



عباس منصوران

در پی فتوای خمینی برای قتل سلمان رشدی، نویسنده کتاب «آیه‌های شیطانی» و مترجمین، ناشرین و خوانندگان کتاب، عزیز با تشکیل کمیته دفاع از آزادی بیان و اندیشه و سلمان رشدی، ترجمه‌ی کتاب آیات شیطانی را آغاز کرد. خمینی هفت ماه پس از نوشیدن جام زهر و شکست در جنگ ۸ ساله علیه عراق، در سال ۱۳۶۷ آیه‌های شیطانی را آیاتی آسمانی یافت و به آن چنگ افکند. هفت ماه پیش از فتوای قتل سلمان رشدی، خمینی به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل و پایان جنگ، گردن نهاده بود. قتلعام افزون بر ۵۰۰۰ زندانیان سیاسی، در تابستان ۶۷ جان‌پناه رژیم بود.

فتوای قتل نویسنده و ناشرین، مترجمین، فروشندگان و خوانندگان کتاب آیه‌های شیطانی، در بهمن ماه ۶۷ برای رژیم اسلامی این یک طناب پوسیده بود که به چاه ویل فرو می‌افتاد. حوزویان در نیرنگ‌کده‌های اسلامی به جستجو پرداختند و حدیثی یافتند که محمد پیامبر اسلامیان گفته بود که «هر کسی که به من توهین بکند و مسلمانی آن را بشنود، باید فوراً شخص توهین‌کننده را بکشد.»

در ۲۵ بهمن ماه سال ۱۳۶۷ (۱۴ فوریه ۱۹۸۹) حکم شرعی خمینی، یک فتوای تروریستی از سوی جانشین محمد در ایران بود تا شکست و بحران حکومتی و شکست در جنگ ۸ ساله که کشتار یک میلیون در ایران و عراق تنها گوشه‌ای از آن فاجعه اسلامی-طبقاتی بود را کنترل کند:

«انا لله و انا اليه راجعون، به اطلاع مسلمانان غيور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب آیات شیطانی که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند.

از مسلمانان غيور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است. انشاءالله...»

دیگر آیت‌الله‌ها در قم و مشهد این آدمکشی حکم شرعی حوزه‌ها را تعطیل کردند و به خیابان‌ها سرازیر شدند. سید علی خامنه‌ای، جانشین کنونی خمینی، در پست ریاست جمهوری حکومت اسلامی، در یک پیام رادیویی، فتوای خمینی را بر سر نهاد و میرحسن موسوی، نخست وزیر وقت، روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۶۷ یک روز پس از فتوا، عزای عمومی اعلام کرد. همه گماشتگان حکومت در مجلس اسلامی به منادیان کشتار نویسنده، ناشر، مترجم و خواننده و فروشنده‌ی کتاب تبدیل شدند.

در همان ماه‌های نخست فتوا، جوانی لبنانی‌الاصول به نام «مصطفی محمودمازح» عضو حزب‌الله، ماموریت یافت تا به لندن شتافته و سلمان رشدی را به قتل برساند. او پیش از آنکه به رشدی دست یابد، در راه اجرای فتوای ترور سلمان رشدی و حکم خمینی با بمب دست‌ساز حزب‌الله، کشته شد.

بنا به یادداشتی در سایت «تا شهدای» سپاه: مصطفی خود می‌گفت: «ای امام عزیز! همانا من با تو پیمان می‌بندم که همیشه در راه روشن تو خواهم بود و تحت اوامر نائب برحق تو سید علی خامنه‌ای، بر این راه روشن باقی خواهم ماند...» بنا به گزارش سایت سپاه، «مازح پس از صدور حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره) در مورد واجب القتل بودن نویسنده مرتد و ناشرین کتاب موهن آیات شیطانی، شخصاً کمر به

اجرای آن بسته و پس از تهیه مقدمات لازم با همسر، خانواده و وابستگان خویش وداع و به لندن مهاجرت می‌کند.¹

مامور مرگ، خود در نتیجه بمبی که حزب الله به او سپرده بود، قطعه قطعه شد و تنها از روی دندانهایش شناسایی گردید.

در سال ۱۹۹۱ مترجم آیات شیطانی به ژاپنی، هیتوشی ایگاریشی در توکیو با ضربات چاقوی حزب الله و فرمان حکومت اسلامی ایران، کشته شد. در میلان ایتالیا، به مترجم ایتالیایی کتاب نیز حمله شد، اما وی جان به در برد. (نیما) داود نعمتی، ناشر پیشرو، نویسنده و فعال سیاسی چپ، در شهر «اسن» آلمان باید ترور می‌شد. دفتر نشر و کتابفروشی «نیما» که ترجمه فارسی این کتاب را منتشر کرده بود به آتش کشیده شد.

نشریه کردی زبان "خه لک" که در سلیمانیه عراق به چاپ می‌رسید در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۱۰ میلادی به دلیل چاپ ترجمه‌ی بخشی از کتاب آیات شیطانی به قلم سلمان رشدی یک روز پس از انتشار ترجمه، به دستور دولت اقلیم کردستان عراق توقیف شد و سردبیر و مترجم آن از طرف احزاب اسلامی کرد عراق و ایران مورد تهدید قرار گرفتند و فراکسیون اسلامی کردستان در پارلمان خواستار مجازات آنها شد. غروب روز هشتم ماه مارس روز جهانی زن، ۲۰۱۰ به برمک بهداد، سردبیر نشریه‌ی "خه لک" (خلق) در شهر سلیمانیه شلیک شد. مترجم کتاب از آن زمان تا کنون به زندگی زیر زمینی روی آورده است.

عبدالکریم سروش در یک سخنرانی در و توجیه و دفاع از فتوای مرگبار خمینی گفت:

۲۸ بهمن ۱۳۹۶ مصطفی تنها لقب شهید را از امام راحل تا شهدا <http://www.tashohada.ir/news/id,54415/> س 1. خویش با خود به گور برد.

«در قصه سلمان رشدی، فارغ از هرگونه داوری، عده‌ای از او دفاع کردند و گفتند مسئله آزادی بیان است، ولی واقعاً این‌طور نیست. سلمان رشدی به پیامبر اسلام ناسزا گفته و اهانت کرده بود.»

عطاالله مهاجرانی، وزیر ارشاد (سانسور و خفقان) در دولت اصلاحات خاتمی، تروریسم حکومت اسلامی اینگونه تایید کرد: مرحوم زادسر از من پرسید: آقای مهاجرانی! به من جواب بدهید، اگر رشدی را ببینید او را می‌کشید! گفتم: نه برادر! من نویسنده ام و کارم تبیین فتوای امام و نقد رمان بوده است، آن کار دیگر را شما که به خلوت می‌روید، انجام دهید!

مهاجرانی کتابی را در ردّ کتاب آیات شیطانی به چاپ رسانده‌است و اکنون در لندن می‌زید تا با مسعود بهنود و فرخ نگهدارها در بی بی سی لایبگر حکومت اسلامی باشند، فتوای کشتار دستجمعی خمینی، حکومت‌اش را تبلیغ می‌کند.

پیش از فتوای خمینی زمانی در تظاهرات خشونت‌آمیز علیه "آیات شیطانی" و نویسنده‌اش دهها نفر در بنگلادش، پاکستان و هند و... کشته شده بودند.

به فرمان خمینی پس از صدور فتوا در ایران عزای عمومی اعلام شد. روزنامه جمهوری اسلامی، به مدیریت خامنه‌ای در روز دوم اسفند ۶۷ از قول خمینی نوشت: «سلمان رشدی اگر زاهد زمان هم بشود اعدام او بر هر مسلمانی واجب است.»

"بنیاد ۱۵ خرداد" که از نهادهای سرمایه‌داری حکومت اسلامی و در مالکیت ولی فقیه و اکنون از جمله هلدینگ‌های علی خامنه‌ای است، برای سر نویسنده آیات شیطانی" جایزه تعیین کرد و در پاییز ۹۱ با افزایش نیم میلیون دلار رقم آن را به ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار افزایش داد. اکنون این پاداش مرگ به چهار میلیون دلار رسیده و خبرگزاری فارس، ارگان سپاه پاسداران حکومت اسلامی، ۱۰۰ میلیون تومان آن را بر ایرضای خدا به عهده گرفته است.

قتل عام سیواس

عزیز نسین در پی فتوای شوم خمینی، در پشتیبانی از آزادی بیان و اندیشه، از سلمان رشدی به عنوان نویسنده پشتیبانی کرد و به ترجمه کتاب آیات شیطانی پرداخت. در شرایطی، عزیز نسین با آگاهی از پیامد اقدام خود، با آگاهی و شجاعت به دفاع از آزادی بیان و اندیشه پرداخت. او پروانه وار، گرد شمع آگاهی بال می‌زد تا ستایشگر روشنایی باشد.

در ژوئیه سال ۱۹۹۳ و پس از نماز جمعه، نمازگزاران در شهر سیواس ترکیه، به فتوای خمینی به هتل مادیماک محل دیدار عزیز نسین با گروهی از آزادی اندیشان حمله کردند و ساختمان هتل را به آتش کشیدند. آدمکشان، برای ترور عزیز نسین و همراهانی که در هتل سیواس دیداری داشتند، حمله کردند. آنان مسلح به انواع سلاح‌ها، هتل را محاصره و به آتش کشانیدند. در این آتش تروریسم «مقدس» ۳۳ نفر از آزادیخواهان که ۱۸ نفر آنان زن بودند، در میان شعله‌های جهل و تروریسم اسلامی سوختند و عزیز نسین به یاری مامورین آتش نشانی، دور از چشم تروریست‌ها به گونه‌ای غیر منتظره از مرگ نجات یافت.

عزیز نسین در سال ۱۹۷۲ نهادی به نام «بنیاد نسین» سازمان داد تا برای کودکان کار هم پناهگاه و هم مرکز آموزشی باشد. این بنیاد را خود و همسر همراهش، سرپرست بودند و به هزاران کودک تنها و بی پناه یاری رساندند. دانش آموزان بنیاد، از آموزش‌های ابتدایی تا پایان دبیرستان و دستیابی به شغل و دانشگاه از پشتیبانی‌های بنیاد نسین برخوردار خواهند بود.

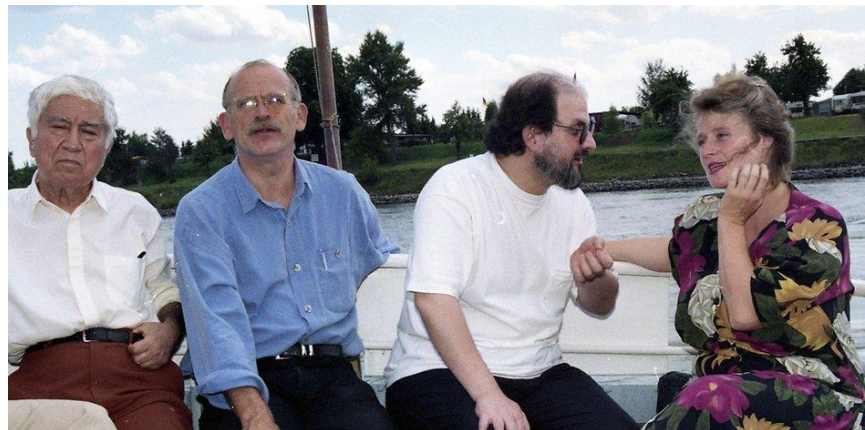
او که از سال ۱۹۴۵ با نوشتن مقاله در مطبوعات آغاز کرده بود، مدتی زیر زمینی زیست و از این سال تا پایان عمر، به نوشتن ادامه داد. رمان، نمایشنامه، شعر، داستان برای کودکان و بزرگسالان و... از جمله کارهایی ماندگاری هستند که باید به همراه نویسنده خاکستر می‌شدند. او در عرصه‌های کنش‌گری سیاسی، اجتماعی، عملی، آفرینش ادبیات نوین کارگری، فرودستان با طنز نقاد در زمینه‌ی دین و رابطه‌ی دین با حکومتگران و افیون مذهب، ماندگار است. او وفاداری به تنگدستان راکه جزیره‌ی هیبلی تجربه کرده بود تا فاجعه‌ی سیواس و کتابخوانی از میر در پراتیک متعهد خود ثابت کرد.

روز ششم ژوئیه سال ۱۹۹۵ عزیز نسین دو سال و چهار روز پس از فاجعه‌ی سیواس، هنگام دیدار کتابخوانی در ازمیر ترکیه دچار حمله قلبی شد و -جانباخت. او پیش از مرگ اعلام کرده بود که به هیچ دینی پایبند نیست و مبادا که بنا به مراسم اسلامی به خاک سپرده شود، بنا به خواست عزیز، او در گوری بی نام و نشان در روستای کودکان کار، به خاک سپرده شد. محمت نصرت، عزیز نسین ما، افتخار زمین است و ماندگار.





هرگز فراموشتان نمی کنیم



این نوشتار در سال ۲۰۱۹ نوشته شده و بخشی از کتاب کیمیگران عشق- کتاب دوم

نشر آفابیت ماکزیم؛ خانه فرهنگ شاملو

بهار ۱۳۹۹/۲۰۲۰ می باشد.